

تأثیر تایوان بر روابط چین و آمریکا



دکتر احمد زارغان و رضا دعاگوی روزبهانی

مسئله تایوان یکی از موارد اختلافی ایالات متحده و چین است. این مسئله در دهه‌های گذشته، فراز و نشیب‌های زیادی را طی کرده است. برخلاف تعهد رسمی واشنگتن به پکن مبنی بر احترام به حاکمیت چین واحد، طی سال‌های اخیر به ویژه در دوره دولت بایدن، ایالات متحده اقداماتی مغایر با سیاست چین واحد مانند فروش تسلیحات نظامی به تایوان، حضور نظامی در منطقه و برقراری مراودات دیپلماتیک با تایوان انجام داده است. این اقدامات که به تحریک تایوان برای استقلال طلبی منجر شد، واکنش چین را برانگیخته است.

داد؛ بنابراین با ظهور چین قدرتمند، موضوع تایوان از اهمیت بسیار بیشتری برای رهبران چین برخوردار خواهد شد (سلیمان-پور، ۱۳۹۳: ۱۲۰).

رهبران چین، آشکارا حق استفاده از نیروی نظامی را برای جلوگیری از استقلال کامل تایوان برای خود محفوظ اعلام کرده‌اند (Christensen, ۲۰۰۲: ۴۳).

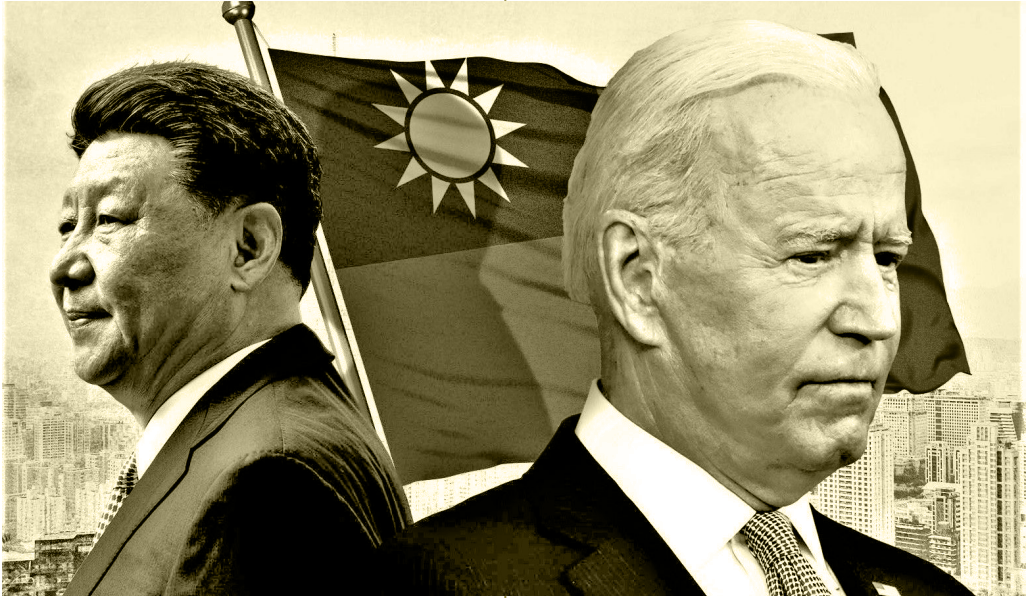
مسئله تایوان، مهم‌ترین مسئله چین و مهم‌ترین متغیر تأثیرگذار در روابط آمریکا و چین از سال ۱۹۴۹ تاکنون بوده است. بحران تایوان بر روابط آمریکا و چین سایه افکنده است و تحلیل روابط آمریکا و چین بدون در نظر گرفتن مسئله تایوان امکان‌پذیر نیست. در طی این سال‌ها، سیاست‌ها و مواضع آمریکا در قبال بحران تایوان دوگانه بوده است؛ از یک سو بیانیه‌های ۱۹۷۲ و ۱۹۷۸ که بر عادی‌سازی روابط دو کشور تأکید داشت، اصل «چین واحد»^۱ را مورد تأیید قرار داد و تمامی رؤسای جمهور آمریکا نیز به این موضوع اذعان کرده‌اند. از سوی دیگر، ایالات متحده در اقدامی مغایر، همواره یکی از فروشندگان بزرگ سلاح‌های پیشرفته به تایوان بود و با این-وجود، چین را مورد تحریم تسلیحاتی قرار داده است (Quorong and Sen, ۱۹۹۱: c۱).

برخی از تحلیل‌گران، رویکرد دوگانه آمریکا به مسئله تایوان را از یک سوی ناشی از تعارض ایدئولوژی لیبرال-دموکراسی آمریکایی و کمونیسم چینی و از سوی دیگر ناشی از نیاز آمریکا به چین در برخی موضوعات می‌دانند. برخی دیگر نیز بر این باورند رویکرد آمریکا در قبال تایوان، ناشی از چشم‌انداز این کشور به سایر حوزه‌های مناسبات با چین است؛ به‌عنوان نمونه، در

از سال تأسیس تایوان و جدایی چین ملی‌گرا از چین کمونیست در سال ۱۹۴۹ تاکنون، تایوان بزرگ‌ترین چالش سیاست داخلی و سیاست خارجی چین بوده است. آمریکا نقش برجسته‌ای در تداوم و بحرانی کردن این معضل داشته است و همواره با حمایت‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی و... از تایوان، تلاش‌های چین در الحاق تایوان به سرزمین اصلی را بی‌اثر کرده است. از طرفی آمریکایی‌ها تایوان را به‌عنوان یک اهرم فشار علیه چین و مستمسکی برای سرگرم کردن چین در محیط امنیتی پیرامونی خود در نظر می‌گیرند. درگیر کردن چین در محیط امنیتی پیرامونی‌اش، چین را از رشد اقتصادی و توان رقابت با سایر رقبا به‌ویژه آمریکا باز می‌دارد. علاوه بر این، مداخله آمریکا در مسئله تایوان، سبب تقویت حضور این کشور در آسیا می‌شود (علی‌پور، ۱۳۹۲: ۱۴۰).

حمایت سیاسی و نظامی آمریکا از تایوان سبب شده است تا نفوذ آمریکا در منطقه آسیای جنوب شرقی افزایش یابد. کاهش نفوذ آمریکا در تایوان سبب خواهد شد آمریکا یک متحد استراتژیکی بسیار مهم را، آن هم در همسایگی بزرگ‌ترین رقیب خود یعنی چین از دست بدهد؛ متحده‌ای که طی مدت‌های طولانی، نقش مهمی در سیاست خارجی این کشور در آسیای شرقی ایفا کرده است (سلیمان-پور، ۱۳۹۳: ۱۲۰). این در حالی است که مسئله تایوان خط‌قرمز چین محسوب می‌شود و چینی‌ها به هیچ‌وجه حاضر به انعطاف در این زمینه نیستند. شتاب اقتصادی چین و افزایش قدرت نظامی و فناوری آن، بلندپروازی‌های این کشور را بیشتر خواهد کرد و انگیزه و توانایی چین را برای دستیابی به این آرزوها افزایش خواهد

1. One China principle



همچنین اختلافات این کشور با شوروی، آمریکا در زمان نیکسون، کسینجر به دیپلماسی پنهان پینگ پونگ^۱ با دولتمردان چینی روی آورد که در نهایت در سال ۱۹۷۹ به سیاست درهای باز^۲ منجر شد. در این دوره، حمایت‌های آمریکا از تایوان به شدت کاهش یافت و این جزیره در انزوا قرار گرفت.

متعاقب رشد سریع اقتصادی و نظامی چین و سیاست‌های تجدیدنظرطلبانه تر توسط این کشور در نظام بین‌الملل، تهدید چین برای دستگاه تصمیم‌گیری سیاست خارجه آمریکا برجسته شد. براین اساس، چرخش دیگری در سیاست خارجی آمریکا در قبال چین به وجود آمد و سیاست حمایت از استقلال تایوان و استفاده از متحدان منطقه‌ای برای موازنه‌سازی علیه چین به منظور مهار این کشور، دوباره در دستور کار قرار گرفت. سفر مقامات آمریکایی به جزیره

شرایطی که دو طرف (همانند شرایط بعد از ۱۱ سپتامبر) درباره مسائل کلان با یکدیگر همراه می‌شوند، آمریکا در مسئله تایوان از خود انعطاف نشان می‌دهد؛ در غیراین صورت، به حمایت خود از این جزیره اولویت می‌دهد (Lam, ۲۰۰۶: ۱۱۹).

از دیدگاهی دیگر، بررسی سیر روند تغییرات مواضع آمریکا در قبال چین و مسئله تایوان، نشان می‌دهد سیاست خارجی آمریکا از سیاست خارجی و تحولات داخلی چین تأثیر پذیرفته است. براین اساس، در ابتدای استقرار دولت کمونیستی در سال ۱۹۴۹، به علت تضاد ایدئولوژیکی و گرویدن چین به دامان شوروی، آمریکا سیاست دوری‌گزینی از چین و به رسمیت شناختن تایوان به صورت دوفاکتو، به عنوان کشور چین اصلی را اعمال کرد.

با گذشت زمان و در پی تحولات داخلی چین مانند روی کار آمدن میانه‌روها و از همه مهم‌تر، دستیابی چین به بازدارندگی کامل هسته‌ای در سال ۱۹۶۴ و

1 . Ping-pong diplomacy
2 . Open Door Policy

تایوان در چارچوب این سیاست قرار دارد (سازمند و پیراسلامی، ۱۳۹۶: ۸۲).

سیاست جدید آمریکایی‌ها در قبال مسئله تایوان، واکنش شدید رهبران چین را برانگیخت. چینی‌ها با لفاظی‌های مکرر و برگزاری مانورهای نظامی در اطراف جزیره، نارضایتی خود را از اقدامات تحریک‌آمیز آمریکا اعلام کردند. این‌ها در حالی است که طی چند دهه اخیر، چینی‌ها با درک دشوار و پرهزینه بودن کاربست اقدام نظامی برای متحد کردن تایوان، استفاده از قدرت نرم، تقویت پیوندهای اقتصادی، تسهیل شرایط سرمایه‌گذاری ساکنان تایوان در چین و ایجاد محیط جذاب تجاری میان دو سوی تنگه را در دستور کار خود قرار داده‌اند (همان).

با این حال، پیشنهادهای اغواگرانه مالی و اقتصادی چین به تایوان بی‌اثر بود و تاکنون تلاش‌های چین برای الحاق این جزیره نتیجه‌بخش نبوده است. (فنبی، ۱۳۹۹: ۱۸).

سیاست خارجه ایالات متحده در قبال چین، در موضوع تایوان در دوره بایدن

ترامپ پس از روی کار آمدن در ژانویه ۲۰۱۷، استراتژی امنیت ملی ایالات متحده را اصلاح کرد و چین را به عنوان رقیب استراتژیک اصلی آمریکا معرفی کرد. با تشدید رقابت استراتژیک بین چین و ایالات متحده، دولت ترامپ تلاش‌های خود برای بازی با کارت تایوان را تشدید کرد و به ارتقای روابط رسمی با تایوان سرعت بخشید. بر این اساس، روابط شبه اتحاد میان ایالات متحده و تایوان ایجاد شد. در دوران دولت ترامپ، ایالات متحده، سیاست خود را در قبال تایوان تنظیم کرد و شدت و دامنه روابط اساسی

بین ایالات متحده و تایوان را افزایش داد که از زمان برقراری روابط دیپلماتیک بین چین و ایالات متحده، امری نادر است. از آنجا که استفاده آمریکا از موضوع تایوان برای مهار چین، خطر روری استراتژیک بین چین و ایالات متحده تا تنگه تایوان را گسترش می‌دهد، توسعه روابط آمریکا و تایوان، تأثیر پیچیده‌ای بر وضعیت تنگه تایوان گذاشت.

نشانه‌های مختلفی وجود دارد که نشان می‌دهد ایالات متحده از تایوان به عنوان ابزار چانه‌زنی موقتی استفاده نخواهد کرد بلکه روابط خود با تایوان را به طور همه‌جانبه بهبود خواهد بخشید و به موضوع تایوان، به عنوان یک میدان مهم برای بازی طولانی‌مدت بین چین و ایالات متحده نگاه می‌کند.

پس از روی کار آمدن بایدن، او خط رقابت استراتژیک ایالات متحده با چین را ادامه داد، برخی از میراث دوران ترامپ از سیاست تنگه تایوان را به ارث برد و در همان زمان، به موقعیت سنتی ایالات متحده بازگشت. این امر تأثیر جدیدی بر وضعیت تنگه تایوان و روابط بین دو طرف تنگه خواهد گذاشت.

از نظر روند، موضوع تایوان در رقابت و تقابل راهبردی چین و آمریکا روبه‌جلو حرکت کرده است و پیوند بین استراتژی آمریکا برای مهار چین و تشدید روابط اساسی آن با تایوان شدت گرفته است

دکترین بایدن بر تقویت اتحادها و ایجاد مشارکت‌های چندجانبه، متمرکز است که می‌تواند مزیت رقابتی در برابر چین ایجاد کند و با این‌حال اقدامات استراتژیک کاهش ریسک را برای مهار رقابت در مناطق غیرنظامی حتی با افزایش حمایت ایالات متحده از تایوان،

نگرانی می‌کند، به تایوان به عنوان دارایی استراتژیک ایالات متحده علاقه نشان داده است و به این ترتیب، جدایی همیشگی تایوان از سرزمین اصلی چین را در راستای منافع ملی ایالات متحده می‌داند. افزایش منافع اقتصادی، سیاسی و امنیتی ایالات متحده در رابطه با تایوان و کشف دوباره ارزش نظامی ذاتی تایوان، سبب تکامل تفکر استراتژیک ایالات متحده شده است. هم‌زمان، سیاست‌ها و رفتارهای پکن و تایوان، به تکامل این تفکر کمک کرده است. براساس تفکر استراتژیک جدید ایالات متحده، دیدگاه‌های ایالات متحده و چین در مورد تایوان بسیار ناسازگار شده است و اعتماد چین به اهداف بلندمدت ایالات متحده نیز کاملاً از بین رفته است. تا زمانی که موضوع تایوان با احتیاط و خویشتن‌داری بیشتر مدیریت نشود،

دنبال می‌کند. دکتترین بایدن در چین مورد استقبال قرار نگرفته است، جایی که به عنوان تلاشی برای مهار تلقی می‌شود. چین با لفاظی‌های دیپلماتیک قوی‌تر، افزایش فعالیت‌های نظامی در اطراف تایوان و تقویت همکاری‌ها با دشمنان ایالات متحده برای مقابله با این موضوع، واکنش نشان داده است؛ بنابراین تعامل بین سیاست‌های خارجی ایالات متحده و چین، خطر نوع جدیدی از جنگ سرد به ویژه بر سر نقاط جغرافیایی بحرانی مانند تایوان را افزایش می‌دهد (Kim, ۲۰۲۲:۱).

در دوران ریاست جمهوری دونالد ترامپ و جوزف بایدن، تفکر استراتژیک ایالات متحده در مورد تایوان تکامل یافته است؛ درحالی‌که ایالات متحده همچنان نسبت به صلح و ثبات در سراسر تنگه تایوان، ابراز



این کار دارد، به اولویت اصلی سیاست خارجی و امنیتی آمریکا تبدیل شده است.

منابع

سازمند، بهاره و ارغوانی پیراسلامی، فریبز، (۱۳۹۶)، سیاست خارجی جهانی و منطقه‌ای چین در قرن بیست و یکم. انتشارات دانشگاه تهران.

سلیمان پور، هادی، (۱۳۹۳)، آمریکا و چین و چشم‌انداز نظام بین‌الملل، پژوهش‌نامه علوم سیاسی سال نهم تابستان ۱۳۹۳ شماره ۳ (پیاپی ۳۵).

فنبی، جان‌اتان، (۱۳۹۹)، آیا چین بر قرن ۲۱ ام سیطره خواهد یافت؟ ترجمه شهریار خواجه‌ان، تهران، انتشارات ققنوس.

علی‌پور، حسین، (۱۳۹۲)، جدال ازدها و عقاب، رقابت چین و آمریکا بر سر هژمونی، انتشارات نسل نواندیش.

- Christensen, Tomas J. (2002). The contemporary security dilemma: Deterring a Taiwan conflict. *Washington Quarterly*, 25(4), 5-21.
- Jie, Dalei (2022). US evolving strategic thinking about Taiwan. *China International Strategy Review*, 1-16.
- Kim, Dongchan (2022). The Biden Doctrine and China's response. *International Area Studies Review*, 22338659221135838.
- Lam, W. Willy (2006) *Chinese Politics in the Hu Jintao Era: New Leaders, New Challenges*, London and New York: M.E. Sharpe.
- - Мырзабеков М.С.1, & Лю Хуйчжэнь2. (2022). ТАЙВАНЬСКИЙ ВОПРОС В КИТАЙСКО-АМЕРИКАНСКИХ ОТНОШЕНИЯХ. *Известия. Серия: Международные отношения и Регионоведение*, 48(2). <https://doi.org/10.48371/ISMO.2022.48.2.008>
- Qurong, S. and Sen Gupta, B. eds. (1999) *China Look at the World*, Delhi: Konark Publishers.

ایالات متحده و چین احتمالاً در راه برخورد برای درگیری بر سر تایوان قرار خواهند گرفت (Jie, 2022).

نتیجه‌گیری

امروزه سیاست مهار چین به منظور بازدارندگی و جلوگیری از روند قدرت‌یابی این کشور گرفته شده است. بر این اساس می‌توان گفت در شرایط کنونی، اقدامات ایالات متحده در قبال چین و تایوان، تابعی از افزایش قدرت چین است. اگرچه سیاست خارجی آمریکا در قبال مناقشه تایوان تغییرات گوناگونی را تجربه کرده است اما سیاست خارجه چین و تایوان تغییر نکرده است.

تایوان با وجود نزدیکی تجاری این جزیره با چین، شریک استراتژیک و مهم ایالات متحده باقی مانده است و از لحاظ سیاسی، حاضر به پذیرش خواسته‌های چین نیست. از طرفی جمهوری خلق چین نیز همچنان از ادعای مالکیت خود بر تایوان دست نکشیده است. سیاست خارجی آمریکا بر اساس موازنه‌سازی و حمایت‌های مستقیم و غیرمستقیم از تایوان به منظور مهار چین ادامه خواهد داشت و حتی در صورت حمله احتمالی چین به تایوان، سناریوی حمایت مستقیم از تایوان و صف‌آرایی متحدان آمریکایی در منطقه در مقابل چین محتمل خواهد بود. در این راستا، تلاش برای تکرار سناریوی اوکراین در منطقه شرق آسیا آشکار است. بر این اساس، روابط واشنگتن و پکن در دوران ریاست جمهوری بایدن همانند دوره ترامپ، تیره شده است. مهار جمهوری خلق چین که از یک سو می‌خواهد جایگاه خود را در نظام بین‌الملل ارتقا دهد و از سوی دیگر توانایی‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی قابل توجهی برای انجام